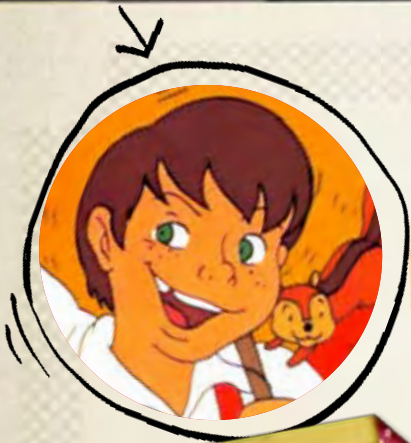


گفت‌وگو با محسن سلیمانی، مترجم رمان‌های معروف نوجوانان

من هاگلبری فین را دوست دارم



از گذشته صد سال، هنوز هم کلی طرفدار دارند و کتاب‌های شان چاپ می‌شود و از روی داستان‌های آن‌ها انیمیشن ساخته می‌شود. رمان‌هایی مثل بابا لنگ دراز، تام سایر، الیور توئیست و کلی داستان دیگر. این هفته با محسن سلیمانی صحبت کردیم؛ کسی که این کتاب‌ها را به فارسی ترجمه کرده.

بعضی از نویسندگان بزرگ خارجی هستند که وقتی عکس‌شان را می‌بینید، حدس می‌زنید خیلی جدی و اخمو هستند و هیچ کاری با آدم‌های کم‌تر از چهل سال ندارند! ولی همین‌ها بودند که وقتی کلی کتاب درباره‌ی آدم‌بزرگ‌ها نوشته می‌شد، مداد و قلم‌شان را برداشتند و از نوجوان‌ها نوشتند و خیلی هم خوب نوشتند؛ آن‌قدر خوب که بعد



طنز و لحن جالبی که دارد هم خیلی مهم است. خیلی از کسانی که زبان انگلیسی می‌خوانند و می‌خواهند بیشتر و بهتر یاد بگیرند، سراغ این کتاب می‌روند.

این داستان‌ها شخصیت‌های خیلی جالبی هم دارند و خیلی ساده هستند.

بله، این آثار هم شخصیت خوبی دارند و هم ماجرای که اتفاق می‌افتد در آن جالب است. در رمان‌هایی که در قرن نوزده میلادی نوشته شده، خیلی به نوجوان‌ها اهمیت داده‌اند و درباره‌ی آن‌ها نوشته‌اند. اصلاً دلیلی که باعث شد ما سراغ منتشر کردن این کتاب‌ها برویم این بود که در این کتاب‌ها شخصیت‌ها در حالت‌های

مختلف به همدیگر کمک می‌کنند. این داستان‌ها انسان‌دوستانه است و به خوبی نشان می‌دهند که این بچه‌ها چه قدر ساده و پاک و دوست‌داشتنی هستند.

شما از بین تمام این کتاب‌ها، کدام شخصیت را بیش‌تر از همه دوست دارید؟!

من «هاگلبری فین» را خیلی دوست دارم، چون با وجود همه‌ی ماجراهای منفی که در اطرافش اتفاق می‌افتد، او کارهای جالبی می‌کند و در کل شخصیتی مثبت است. یعنی با این‌که شیطنت می‌کند اما شرور نیست، چون ذاتاً بچه‌ی ساده و سالمی است.

شخصیت‌هایی مثل «تام سایر» و «هاگلبری فین» شیطنت می‌کنند، اما با این حال کسانی را که کنارشان هستند دوست دارند و به آن‌ها کمک می‌کنند.

همین‌طور است. خیلی از شخصیت‌ها در این داستان‌ها هستند که به همدیگر کمک می‌کنند.

چه‌طور شد که شما سراغ ترجمه‌ی رمان‌های معروف نوجوانان رفتید؟

بعضی از رمان‌های معروف برای بزرگسالان نوشته شد اما بچه‌ها این داستان‌ها را به دنیای خودشان بردند؛ چون داستان‌ها درباره‌ی یک نوجوان بود و ماجراهای آن هم درباره‌ی اتفاق‌های دوره‌ی نوجوانی بود؛ مثل رمان «هاگلبری فین». آن زمان که این کتاب‌ها نوشته شدند، مثل الان نبود که رمان بزرگسال و نوجوان از هم جدا باشد. یعنی آن موقع در دنیا رمان مخصوص نوجوان به این شکل نداشتیم. اما بچه‌ها این‌ها را مخصوص

خودشان کردند. مثال دیگرش کتاب «سفرهای گالیور» است. من هم اول این کتاب‌ها را که برای نوجوان‌ها بود، ترجمه کردم.

چرا خیلی از رمان‌های قدیمی که در جهان معروف شدند، رمان نوجوانان است؟

چون جنبه‌ی داستانی این‌ها خیلی قوی و تاثیرگذار است. البته این داستان‌ها لایه‌های عمیق‌تری هم دارند که مفهوم‌های دیگری هم می‌توان از آن‌ها گرفت. اما به هر حال ماجرای که تعریف می‌کنند جذاب است. درباره‌ی رمان هاگلبری فین، زبان

در کتاب‌های «الیور توئیست» و «دیوید کاپرفیلد» بچه‌هایی هستند که از خانواده‌شان دور می‌شوند و عده‌ای می‌آیند و از آن‌ها سو استفاده می‌کنند. در این کتاب‌ها نویسنده به انسان‌دوستی و کمک کردن به همدیگر تاکید می‌کند. این شخصیت‌ها آن‌قدر خوب و تاثیرگذار هستند که اگر در جایی به کسی کمک نکنند، شما تعجب می‌کنید.

از نظر انسان‌دوستی و کمک به دیگران، کدام رمان بهتر است؟

من «بابا لنگ‌دراز» را دوست دارم. خیلی جالب است که یک نفر به دختر بچه‌ای کمک می‌کند و خرج تحصیلاتش را می‌دهد، ولی نمی‌خواهد هیچ‌وقت اسمش گفته شود! با این‌که همیشه حواسش به آن دخترک هست و هر چه بخواهد برایش انجام می‌دهد. حتی «جودی ابوت» چندین بار از او می‌خواهد که خودش را معرفی کند، ولی او این کار را نمی‌کند.

هدیه کاغذی

«با خواندن، سفر آغاز می‌شود.»

این جمله را پشت نشان کتابم نوشته است. نشان کتابی که لابه‌لای تمام کتاب‌هایی می‌ماند که می‌خوانم و با داستان‌هایشان زندگی می‌کنم. با اعضای تحریریه کوله‌پشتی داشتیم فکر می‌کردیم دلمان می‌خواهد یک کاری کنیم، هر چند کوچک، هر چند معمولی، اما خوشحال کننده.

با خودمان یک قرار گذاشتیم. یک قرار دوستانه که همگی برای اهدای کتاب به کتابخانه‌ی مدارس محروم تلاش کنیم. فکر کردیم چه هدیه‌ای بهتر از کتاب؟ چه سفری بهتر از گشت‌وگذار در دنیای داستان؟

دوستان کوله‌نویس هر روز با کیسه‌هایی از کتاب از راه می‌رسیدند و ستونی از کتاب در گوشه کنار دفتر تحریریه بالا می‌رفت! حالا این کتاب‌ها در کتابخانه‌ها چشم انتظار بچه‌هایی هستند که آن‌ها را بخوانند و با خواندن، سفرشان را آغاز کنند!

